

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

جوابهای مرحوم شیخ انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) را از استدلال به آیه شریفه ملاحظه فرمودید و برخی از جوابها مناقشات داشت. و نیز عرض کردیم که اگر تخصیص اکثر، به اخراجات متعدده باشد قبیح است ولی اگر به اخراج واحد باشد قبیح نیست و این مطلب را بزرگانی نیز قبلاً در فقه و اصول عنوان فرموده‌اند، مثلاً از کسانی که همین نظریه را دارند مرحوم محقق خوئی (قدس سره) است که در مواضعی از فقه به این نظریه اشاره کرده‌اند؛ که تخصیص اکثر در آن جایی قبیح است که اخراجات متعدده است اما آنجایی که اخراج واحد است قبیح نیست.

نقد دیگر بر استدلال به آیه

آیا از استدلال به این آیه شریفه، جوابهای دیگری هم می‌توانیم بیان کنیم یا نه؟ يك جواب این است که در این آیه شریفه، «رجس» اصلاً بمعنای قذارت و نجاست ظاهری نیست، چرا؟ به قرینه این که انصاب و ازلام و میسر، نجاست ظاهریه که ندارند؛ بلکه پلیدی باطنی دارند، لذا دیگر جا ندارد که بحث کنیم آیا فقط شامل اعیان نجسه می‌شود و یا شامل اعیان متنجسه هم می‌شود.

این نزاع در صورتی است که «رجس» بمعنای قذارت ظاهری باشد. در کتاب مفردات راغب، «رجس» را به «الشیء القذر» معنا کرده است، مرحوم طبرسی در کتاب مجمع البیان «رجس» را به «خبیث» معنا کرده است. نه نجس، خبیث یعنی پلید. اصلاً اگر قرآن را ملاحظه کنید، در ترجمه لغوی این کلمه، بیشتر به معنای پلیدی معنا شده است، نه بمعنای نجاست ظاهری یا قذارت ظاهری.

بیان احتمالاتی در آیه

يك بحث در این آیه این است که آیا «رجس»، خبر اول است و «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» خبر دوم است، که نتیجه این دو خبر این می‌شود که خداوند در اینجا دو علت را بیان می‌کند و هر کدام هم علت مستقلاً هستند، هم «رجسیت» علت مستقلة دارد، و هم «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» علت مستقلة دارد. احتمال دیگر این که مرحوم ایروانی می‌فرماید «رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»، لف و نشر مرتب است، یعنی «رجس» می‌خورد به خمر، و «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» می‌خورد به آن سه‌تای دیگر.

نقد استاد بر این دو احتمال

این دو احتمال ، خلاف ظاهر است ، برای اینکه اگر واقعاً دو علت یا دو عنوان مستقل در آیه شریفه باشد ، اینجا باید یا می‌گفت «فاجتنبوهما» یا «فاجتنبوها» ، اما آیه می‌فرماید «فَاجْتَنِبُوا» [۱] که به همان رجس برمی‌گردد . این ضمیر مفرد خیلی از احتمالات را دفع می‌کند و از جمله به ما نشان می‌دهد که این «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» بیان برای «رجس» است و نه تنها «عَمَلِ الشَّيْطَانِ» خبر دوم یا يك علت مستقله دوم نیست، بلکه در «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» از خصوصیات رجسیت است، یعنی شارع می‌خواهد بگوید خود «رجس»، «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» است، نمی‌خواهد بگوید «خمر»، «انصاب و ازلام» و «میسر» از عمل شیطان هستند.

به نظر ما معنای آیه این است «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ» که رجس چیست؟ خود شارع بیان می‌کند حقیقت رجس چیست؟ «رجس» ، «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» است، رجس آن چیزی است که از شیطان ناشی می‌شود و از القائات و ابداعات شیطان است ، هرچه می‌خواهد باشد. بنابر این این احتمالی که ما بگویم این «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» خبر دوم یا علت دوم است، یا يك قیدی است برای «رجس» یعنی شارع نمی‌گوید هر رجسی اجتناب کنید ، بلکه از رجسی که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» باشد اجتناب کنید. با این بیان ما ، تمام اینها دفع می‌شود .

شما زمانی که آیه را می‌خوانید «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ» يك مكثی می‌کنید، بعد می‌گویید «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» که این «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» باز به قبل از رجس می‌خورد، یعنی خمر و میسر و انصاب و ازلام از عمل شیطان است. آن وقت باز باید در مانحن بگویید که اگر يك چیزی نجس یا متنجس بود این از عمل شیطان است یا نه؟ که در بحث گذشته جواب سومی که مرحوم شیخ(ره) بیان کردند فرمودند: وجوب اجتناب در موردی است که رجس از عمل شیطان باشد. یعنی می‌گویند ما دو گونه «رجس» داریم، يك رجسی که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» است و يك رجسی که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» نیست .

آیه ، اجتناب از مطلق رجس از واجب نکرده است وجوب اجتناب برای رجسی است که این قید را هم داشته باشد که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» آنوقت «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» یعنی چه؟ یعنی از ابداعات شیطان یا القائات شیطان باشد، و شیخ فرمودند چون قید «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» دارد ، اختصاص دارد به آنجایی که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» باشد و ما یعات متنجسه مثل دهن متنجس ، از اعمال شیطان نیست. طبق این بیانی که ما داریم – که البته جایی هم این را ندیدم – خداوند می‌فرماید اصلاً «رجس» ، «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» است ، یعنی این «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» بیان برای رجس است ، نه اینکه بخواهد بگوید آن موضوعات دو عنوان دارند هم رجس هستند و هم مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ هستند، بلکه تمام اینها يك عنوان دارند و آن «رجس» است، «رجس» چیست؟ رجس از عمل شیطان است و لذا ضمیر مفرد آورده است «فاجتنبوه» یعنی از همین رجس باید اجتناب کنید.

نظر محقق خوئی پیرامون این آیه

یکی دیگر از جوابها که در مصباح الفقاهة آمده این است که، ایشان هم «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» را يك قید گرفته‌اند ، «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» چنین معنا کرده اند «كُونَ الْأَفْعَالُ الْمُتَعَلِّقَةُ بِالْخَمْرِ وَالْأَنْصَابِ وَالْأَزْلَامِ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» ، خود خمر از عمل شیطان نیست، بلکه شرب خمر ، مست شدن یا بازی کردن با آلات قمار ، از عمل شیطان است. سپس شاهی آورده و فرموده‌اند در آیه 90 سوره مائده «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ» می‌فرماید شیطان اراده می‌کند بین شما دشمنی و عداوت قرار دهد. در چه؟ در خمر و در میسر، یعنی در این آیه 90 سوره مائده می‌گوید : آدم با خمر يك فعلی انجام می‌دهد که آن فعل، از عمل شیطان است. عرض کردیم اینها بر فرض این است که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» را

يك قيد اضافه بگيريم. اما اگر بگويم آيه می‌گويد «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ» که «رجس» چیست؟ خود شارع بیان می‌کند که رجس، عمل شیطان است، نه اینکه ما دو جور رجس داشته باشیم. ظاهر کلمات کنیری از بزرگان این است که ما از آیه استفاده می‌کنیم که دو جور رجس داریم؛ يك رجس که «مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» است و يك رجس که «من غیر عمل الشیطان» است.

مراد از اجتناب در آیه

نکته دیگری که در اینجا می‌خواهیم بیان کنیم این است که با غرض نظر از تمام این اشکالات اگر بگویم رجس بمعنای قذارت ظاهری و نجاست است و بگویم نجاست شامل متنجس هم می‌شود - این نکته را قبلاً عرض کردیم که تفکیک بین نجس و متنجس، يك اصطلاح فقهی است، اما از نظر آیات و روایات بین اینه تفکیک نمی‌شود، وقتی می‌گوییم «هَذَا نَجَسٌ» یا «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» تفکیکی بین این دو نیست - اگر گفتیم رجس در اینجا شامل نجاست ظاهری است و شامل متنجس هم می‌شود، باز مستدل نمی‌تواند ادعای خودش را ثابت کند. چرا؟

برای اینکه آیه دلالت بر این ندارد که این اجتناب از متنجس به جميع انواع اجتناب واجب است، بلکه اجتناب از هر شیء به این است که از هر آن چه که مناسب با آن شیء است انسان اجتناب کند، اگر گفتند از «خمر» اجتناب کنید ظهورش در این است که یعنی از «شرب خمر» اجتناب کنید، اگر گفتند از نجاست اجتناب کنید ظهور در این دارد که آن را نپوشید، اگر گفتند از لباس نجس اجتناب کنید، معنی آن این نیست که لباس نجس را در خانه هم نگه ندارید، بلکه معنایش این است که استفاده نکنید. اگر گفتند از قمار اجتناب کنید این بمعنای این است که با او بازی نکنید، اگر گفتند از زن اجتناب کنید - مثل این که قرآن می‌گوید اجتناب کنید از امهات و خالات و عمت اجتناب کنید - یعنی باینها ازدواج نکنید.

اگر گفتند از مسجد اجتناب کرده یعنی دیگر نمی‌رود عبادت کند، وقتی می‌گویند مردم از عالم روی گردانده و اجتناب کردند یعنی نمی‌روند از او استفاده و سؤال بکنند. بنابر این اجتناب از هر چیزی به تناسب با آن است، اگر گفتیم «رجس» بمعنای نجس است و شامل متنجس هم می‌شود «فَاجْتَنِبُوهُ» یعنی از اجتنابی که مناسب با نجس است یا متنجس است را اراده می‌کند، شارع مطلق انتفاعات را اراده نمی‌کند، در نتیجه باز مستدل نمی‌تواند اینجا به ادعای خودش برسد. مستدل زمانی به ادعای خودش می‌رسد که بگوید آیه دلالت دارد بر این که شیء اگر متنجس شد جميع انتفاعات از او باطل است، لذا دهن وقتی متنجس شد اصلاً نمی‌شود از آن استفاده کرد **الا ما خرج بالدلیل** که استصحاب تحت السماء است. ولی اگر بخواهند این دهن را به دیوار کسی بمالند که آب داخل آن نرود می‌گویند آیه دلالت ندارد.

فرمایش محقق ایروانی

اینجا در کلمات مرحوم ایروانی يك نکته‌ای وجود دارد. ایشان از يك طرف دائره را توسعه داده است از يك طرف هم دائره را ضیق کرده است و فرموده از این جهت که آیه دلالت بر مطلق الانتفاع ندارد ما قبول داریم، آیه نمی‌گوید از تمام انتفاعات باید اجتناب کرد، اما از این طرف هم نمی‌توانیم فقط به یکی دوتا انتفاع هم منحصرش کنیم، بلکه بگویم درنجس و متنجس، از آن انتفاعاتی که مشروط به طهارت است اجتناب کنید. اما انتفاعاتی که مشروط به طهارت نیست اجتناب از او واجب نیست.

تفاوت بیان قبلی با بیان محقق ایروانی

به نظرم این بیان از بیان قبلی دقیقتر است، بیان قبلی این بود که بگوییم «اجتناب فی کل شیء بما يناسب ذلك الشيء» اگر گفتند از خمر اجتناب کنید یعنی فقط شربش مراد است و بر چیز دیگری دلالت ندارد اما این بیان يك مقدار دائره را توسعه میدهد، می‌گوییم از خمر در آن چیزی که متوقف بر طهارت است اجتناب کن، اما در آن چیزی که متوقف بر طهارت نیست مانعی ندارد، دائره‌اش يك مقداری توسعه پیدا می‌کند.

عبارت مرحوم ایروانی این است «نعم تشمل جميع المنافع الظاهرة – آیه تمام منافع ظاهره را شامل می‌شود – حتی غیر المشروط بالطهارة – حتی منافعی که مشروط به طهارت نیست – فيكون مفاد الآية اوسع من الاستعمال فيما يشترط بالطهارة و اضيق من مطلق الانتفاع» این که از يك طرف بگوییم آیه می‌گوید هیچ انتفاعی نبر، نه، آن را نمی‌گوییم، نسبت به مطلق الانتفاع اضیق است، از يك طرف هم دائره فقط در يك منفعت و دو منفعت نیست، در آنچه که مشروط به طهارت هست باید اجتناب شود اما تمام منافع غیر مشروط به طهارت را آیه شامل می‌شود. این تمام کلام در این آیه شریفه، و معلوم شد که آیه دلالت بر مدعا ندارد.

آیه دوم مورد استدلال بر مدعا

دو آیه دیگر هم هست که بر مدعا به اینها هم استدلال شده است. مدعا چیست؟ مدعا این است آیا ما از آیات استفاده می‌کنیم که انتفاع به متنجس مطلقاً حرام است یا نه؟ اگر چنین استفاده‌ای کردیم، آیا این آیه بر آن اصل اولی مقدم می‌شود؟ آیه دیگر، آیه شریفه «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» است که گفته اند «رجز» بمعنای «رجس» است. عرب‌ها گاهی اوقات «س» را «ز» می‌گویند، مثلاً می‌گویند فلانی کجاست؟ می‌گوید «مزجد» است، «رجز» همان «رجس» است و مراد از «رجس» هم «نجس» است. آیه می‌گوید «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» از نجس اجتناب کن، گفتیم نجس شامل متنجس هم می‌شود، لذا آیه می‌گوید انتفاع به متنجس مطلقاً باطل است.

نقد استاد بر استدلال به آیه

این آیه شریفه را قبلاً بحث کردیم و گفتیم «رجز» بمعنای نجاست ظاهری نیست بلکه بمعنای نجاست باطنی است، خصوصاً که در این آیه به پیامبر می‌فرماید: «و ثيابك فطهرو الرجز فاهجر» برای نماز لباس را پاک کن، پس آنجا تطهیر ظاهری آمده، «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» این تطهیر باطنی است. در تفسیر علی بن ابراهیم «رجز» را به «الخصیء الخبيث» معنا کرده است.

خصیء همان پست است و خبیث هم که روشن است. در این آیه شریفه احتمال قوی می‌دهیم این آیه مربوط به باب صلاة باشد، چون می‌فرماید «و ثيابك فطهرو الرجز فاهجر» این مربوط به باب صلاة است و دیگر دلالت بر حرمت مطلق الانتفاع ندارد و اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال. البته در این که این آیه را به ضم خوانده‌اند یا به کسر دو قرائت است، مشهور به ضم «ر» خوانده‌اند، بعضی‌ها به کسر هم خوانده‌اند، در کتاب مجمع البیان گفته «و يجوز ان تكون لغتين» هردو لغتش درست است و مثال زده به «ذکر» و «ذکر»، که شما چه بگویید ذکر یا ذکر، هردو درست است، اینجا هم همینطور. پس چون احتمال می‌دهیم اولاً «رجز» معنای نجاست ظاهری نباشد، ثانیاً اگر هم باشد مربوط به خصوص باب صلاة است، دیگر دلالت بر حرمت مطلق الانتفاعات از شیء نجس ندارد.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.